

# اثر کتاب بر زبان‌بهنجار ما

نوشته: دکتر رضا مظلومان استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران

۱ - قدرت کتابها :

کتاب ، بدون شک یکی از اساسی‌ترین وسایل سرگرمی روشنفکرانه و آموزش روح و روان و پرورش افکار و اندیشه است . نوشته‌های آن بخاطر توانایی فراوان و بیحدی که دارد قادرست تا اعماق روح و جان خواننده نفوذ نماید و وجودش را در تصرف خود در آورد . بعضی جمله‌ها و گاهی برخی کلمات میتواند اساس فکری خواننده‌ای را بطور کلی زیر و رو کند و حتی اندیشه‌ای کاملاً مخالف آنچه که تاکنون بان معتقد بوده‌است باو القاء نماید .

دانشمندان معتقدند که نفوذ کتاب تا بدان حد است که بسادگی میتواند اراده بسیاری از افراد با اراده را در هم بکوبد و آنان را در سیرری قرار دهد که راهنمایی

میکنند .

گرچه نفوذ روزنامه هم مانند کتساب بسیار عمیق است ولی اگر اثری که کتاب در خواننده میگذارد دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد بخوبی پی برده میشود که این تأثیر براتب عمیق‌تر از تأثیر نوشته‌های روزنامه‌هاست .

علت این امر را میتوان از یکسودراعتناد خواننده بنوشته‌های کتاب و از سوی دیگر در نیروی نفوذ کتاب برخوردارنده و سرانجام در دوام آن دانست .



روزنامه نگاران بعلت سروصدای فراوانی که همیشه در اطراف یک موضوع گاهی بسیار کم اهمیت ایجاد میکنند و میکوشند تا آن را بزرگ جلوه دهند و همچنین بعلت جنبه های اغراق آمیزی که نوشته های آنان دارد و تعبیرات و تفسیراتی که بطور افراطی از موضوعات مختلف بعمل می آورند برخی خوانندگان کتابها را در صحت و قبول مطالب خود دچار دودلی مینمایند ، بطوریکه عده ای آنچه را که در صفحات روزنامه ها منعکس میشود بفوریت و بطور قاطع نمی پذیرند یسا اصولا رد میکنند زیرا غیر واقعی می پندارند . در حالیکه خواننده بکتاب بیشتر اعتماد دارد و کمتر ممکن است تصور کند که نوشته های مورد مطالعه اش غیر واقعی میباشد . بهمین جهت با ولع و میل بیشتری بمطالعه آن می پردازند و اگر مطالبش را موافق طبع بیاید ، شوق و حرارت بیشتری برای شروع و پایان دادن آن در خود احساس میکند .

بسیارند کسانی که مطالب روزنامه ها را بعلت عدم اعتمادی که بآنها دارند با بی اعتنائی نگاه میکنند ولی بمحض آنکه همان مطالب بصورت کتاب درآمد با علاقه فراوان مورد مطالعه قرار میدهند . در حالیکه موضوع و مطلب ممکنست در روزنامه و کتاب یکسان باشد و هیچ گونه تغییری در آنها مشاهده نشود .

#### ب : تأثیر کتاب

اعتماد خواننده بکتاب باعث میشود که قدرت نفوذ و تأثیر آن بر روی ذهن و اندیشه اش ساده تر و عمیق تر صورت بگیرد و وجودش را

کاملا احاطه نماید و در حوزه قدرت و زیر نفوذ خود در بیاورد . از سوی دیگر کتاب ، خواننده را آرام آرام باصل داستان میکشاند و بتدریج موضوعی را که مورد نظر است در فکر او ایجاد و بزرگ میکند . بهمین جهت مشاهده شده است که بسیاری از خوانندگان آنچنان در حوادث و اتفاقات تشریح شده در کتاب غرقه

غرقه میباشند .

برخی خوانندگان تا مدتها از کتابی که مطالعه کرده‌اند با دوستان و آشنایان خود صحبت میکنند و جریانات و حوادث آن را با حرارت شرح میدهند و گاهی با اصرار آنان را بخواندن آن تشویق و ترغیب مینمایند .

فرو شدن در کتاب ، فراموش کردن زمان و حتی از یاد بردن احتیاجاتی مانند خواب و خوراک و تعریف و تمجید مطالب آن برای دیگران و ترغیب دوستان برای تهیه و خواندن آن بخوبی نشان دهنده تأثیر کتاب در روح و روان خواننده میباشد .

بنابراین میتوان اذعان نمود که کتاب بخوبی میتواند خواننده‌ها را براه راست هدایت کند و از آنان ، انسانهایی شایسته و با شخصیت بیافریند یا بالعکس انحراف و فساد پدید آورد و آنان را به وادی گمراهی سوق دهد و آیندشان را تیره و شوم سازد و تباهی را در همه جا بگستراند . این امر زمانی بیشتر صورت تحقیق می‌پذیرد که دانسته شود که در هر اجتماعی کسانی یافت میشوند که بعلت تزلزل فکری و شخصیت قادر بتصمیم‌گیری نیستند و همیشه در جستجوی نمونه و مثالی میباشند که پایه‌های زندگانی خود را براساس آن بنا نهند . بدیهیست که در چنین مرحله‌ای ، نقش و نفوذ کتاب بیشتر مشخص میشود و جنبه انحراف و آفرینی و راهنمایی آن که افراد را بطرف سقوط و انحطاط میراند بهتر آشکار میگردد .

این‌گونه افراد سریعتر زیر نفوذ مطالب قرار میگیرند و غذای مورد نیازشان را از کتاب بدست میآورند .

ج : دوام کتاب

گرچه بدون تردید ، قدرت پراکنندگی و



شده‌اند که گاهی خوردن و خوابیدن را هم از یاد برده‌اند ، یا گاهی - المی آنچنان در آنان علاقه‌مندی و شیفتگی بوجود آورده که باعث شده است تا تیل از اتمام آن بهیچ چیز دیگر تمهیدی نکنند و بهیچ امر دیگری مشغول نشوند ، بهمین جهت پس از اتمام کتاب تا هنوز بخود نمی‌آیند و در مطالب آن

گسترده‌گی مطبوعات بد راتیب بیشتر از کتاب است و در نتیجه رقم خوانندگان را که بخود جلب میکند بیشتر از کتاب میباشد ولی معمولاً کمتر خواننده‌ای زحمت جمع‌آوری آن یا لااقل مطالعه مجددش را بخود میدهد ، درحالی‌که اگر کتابی خریده شد کمتر ممکنست از دست داده شود . زیرا معمولاً خواننده به جمع‌آوری آن می‌پردازد و آن را در گوشه کتابخانه‌جای میدهد تا مورد استفاده مجدد خود یا دیگران قرارگیرد .

بنابراین کتابی که نوشته شد تقریباً برای همیشه در دسترس همگان قرار میگیرد . با توجه باین امر است که اگر مطالبی فسادانگیز و تباه‌کننده باشد وجودش در کتابخانه یا در خانه مانند میکربی است که هیچ‌گاه نمیرد و هر لحظه آماده و مترصد است تا فرد سالمی را بسوی بیماری بکشاند و نابود سازد .

دوام و طول عمر کتاب باعث میشود که کتابهای سطح و انحراف آفرین که مخصوصاً در نگهداری و ضبط آنها بیشتر دقت میشود افراد جدید همیشه در معرض خطر مسموم شدن قرارگیرند و خطر انحطاط و تباهی همه افراد را پیوسته مورد تهدید قرار دهد .

## ۲ - کتاب و ارزشهای اجتماعی

یکی از اصولی که هنر نویسنده‌ای بایدد سطح نظر داشته باشد و بهیچ وجه از آن تخطی ننماید ، تطابق دادن موضوع کتاب خود با وضع فکری افراد اجتماع و شرایط و نهادهای موجود در آن و ساختمان فرهنگ و ارزشهای آن جامعه است . چون اگر نویسندگانی ، مناسبات اجتماعی را نادیده انگازند و بروابط افراد و فرهنگشان بسا بی‌تفاوتی بنگرند و باندیشه‌ها و احساسات آنان بی‌اعتنایی نمایند و اصول و موازین رایج را

بی‌ارزش وانمود سازند ، افراد اجتماع بویژه کسانی را که آساده‌گانهایی برای منحرف شدن دارند بدنای اندیشه‌ها و احساسها غلظت راهنمائی میکنند و زمینه‌های ذهنی و عقلی نادرست برای آنان پدید می‌آورند و بر شعور و بینشان لطمه وارد می‌سازند . بهمین جهت بجرأت میتوان گفت که انتشار کتابهایی که از جوهر فرهنگی یک اجتماع مایه نگیرد و درک و احساس انسان‌ها و ارتباط و قدرت دیدشان را مورد نظر قرار ندهد و معیارهای اجتماع را آنچنان که باید ارزیابی ننماید ، خلق‌کننده مایه‌های تازه انحرفات ویرهم زنده نظم اجتماع و موجد ناسوزنی و تضاد و اختلاف است . بنابراین هر نویسنده‌ای قبل از شروع به نوشتن کتاب مورد نظر باید اجتماع خود را خوب بشناسد و از همه ارزشهای آن آگاهی کامل حاصل کند تا با نوشته خود در جهت خلاف با مصالح جامعه‌گام بر ندارد و در افراد تعابیر و مفاهیم غلط ایجاد نکند و بالاخره در نظم موجود آشفتنگی و اختلال پدید نیآورد .

رعایت این امر نه تنها وظیفه هنر نویسنده‌ای است که برای حفظ اجتماع و افراد از دستبرد پریشانیها و انحرفات باید در اجرای آن نهایت کوشش را بعمل آورد بلکه از وظایف بسیار مهم کلیه مترجمان نیز میباشد ، زیرا بدون شک ارزشها و معیارهای اخلاقی ، فکری ، . . . همه اجتماعات بایکدیگر فرق دارد بطوریکه شاید کمتر بتوان افکار و روحيات افراد یک جامعه و فرهنگ آنرا بطور کامل با اندیشه‌ها و احساسات افراد جامعه دیگر و ساختمان و مایه‌های فرهنگی آن مطابقت داد . با توجه باین اصل است که اگر کتابی که از مایه‌های فرهنگی اجتماع خاصی سرچشمه گرفته است برای اجتماعی دیگر که ساختمانی خاص خود دارد ، ترجمه شود ،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

ممکنست مطالب آنها بصورت حقیقتی  
انکارناپذیر مورد قبول مردم قرار گیرد و خواننده‌ها  
با برداشتهای غلط بافکار و اندیشه‌هایی  
نادرست دچار گردند .

۳ - خطر کتب گمراه کننده

Larguier لارگیه مینویسد کسه خطر  
نوشته‌های برخی کتب آنست که اعمالی مانند  
بی‌آبرویی، بی‌عاری و رسوایی ، پستی و دنائت و  
آنچه را که باعث میشود قدرت مقاومت در  
برابر اعمال بزهکارانه بشدت کاهش یابد ،

ممکنست پایه‌های تعادل و نظمش را در هم  
بریزد و اساس هم‌بستگی میان افراد آن را  
متزلزل سازد ورشته‌های ارتباط مردم را با  
فرهنگ و ارزشهای موجود قطع کند و در نتیجه  
بجای ایجاد افکاری سالم و اندیشه‌هایی سازنده  
و خلاق و بوجود آوردن نظم در اجتماع و  
خانواده‌ها ، اختلال و انحراف در همه جا پدید  
آورد و اغتشاش و تباهی را شکل دهد .

بسیارند کتابهایی که برای مردم یکس  
جامعه فقط یک وسیله تفریح و سرگرمی و وقت  
گذرانی بشمار می‌آیند در حالی که چنانچه همین  
کتاب‌ها برای اجتماعی دیگر ترجمه شوند



شدیداً تشویق میکند و از جهات مختلف مورد مورد تحسین قرار میدهد (۱) قدرت اخلاقی برخی خوانندگان ممکنست در آن حدی نباشد که نادرستی برخی مطالب کتاب مورد مطالعه را درک کنند و بابتی اعتنایی از آنها بگذرند ، بنابراین موقعی که مورد تمجید نویسنده قرار میگیرد و اجرای آن را مکرراً بخواننده تلقین میکند ، هرآن احتمال دارد که بر ذهن و روان او تأثیر نامطلوب خود را ببخشد و او را وادار نماید تا در موقع مناسب بعملی کردن آنچه که گفته شده است ، پردازد .

خطر اینگونه کتابها بیشتر آنست که معمولاً در قسمتهای مختلف بطور ستوالسی بقدری موضوعی تکرار و تلقین میشود که در نزد خواننده جنبه یک امر کاملاً عادی بخود میگیرد . بدین جهت اگر چنین حالتی در خواننده‌ای بوجود آمد ، عملی را که بی‌درهی مورد تحسین قرار گرفته است ، هر قدر هم زشت و نامطلوب باشد دیگر ناپسند بشمار نمی‌آورد و امری عادی می‌پندارد . از سوی دیگر همانطور کسه استانیسلاس فومه Stanislas Fumet می‌نویسد : (۲)

« آنچه در کتابها یافت میشود قبلاً در کتاب افراد خفته است »

نوشته‌های یک کتاب در واقع میتواند بیدارکننده خواسته‌ها و امیال نهفته‌ای نیز باشد که بدلائیل مختلف از قبل از فکر و روح روان خواننده شکل گرفته است . کلت اودری Colette Audry معتقد است

که هر خواننده‌ای که بمطالعه کتابی می‌پردازد سعی دارد در خلال نوشته‌ها و مطالب آن ، آنچه را که دوست دارد بدست آورد (۱) بسختی دیگر اگر گرایشی انحرافی در خواننده وجود دارد نوشته‌های کتاب بیشتر احساسات و افکارش را بسوی انحراف سوق میدهد و روانش را طوری می‌پروراند که بیشتر بسوی تباهی و تجاوز تمایل پیدا کند . (قسمت دوم این مقاله را در شماره بعد ملاحظه فرمائید)

1 - Larguier - « Criminologie at Scieuce Péui tenti cirse ». P 38

2 - Gorphe (E) « L'influence du Cinéma Sur La Délinquance at Les Qustions Pu'elle Pose » . P 559